

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

به اهتمام: عبدالحی حبیبی
فرستنده: درویش وردگ
۲۳ اکتوبر ۲۰۱۷

ترجمه السَّوَادُ الْأَعْظَمُ - ۱

تألیف: ابوالقاسم اسحاق بن محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن زید- حکیم سمرقندی
ترجمه به فارسی در حدود (۳۷۰) هجری به فرمان امیرنوح سامانی

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رَبِّ يَسِّرْ وَلَا تُعَسِّرْ وَتَمِّمْ بِالْخَيْرِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ أَبَدًا!

امادان که سبب تصنیف این کتاب آن بود: که بی راهان و مبتدعان و هواداران به سمرقند و بخارا و ماوراء النهر بسیار شدند.

پس ائمه و فقهاء و علمای سمرقند و بخارا و ماوراء النهر گرد آمدند و گفتند: آباء و اجداد ما تابوند، بر طریق سنت و جماعت بوده اند. اکنون هواهای مختلف پیدا شد. و ما را جای ترس است، این سخن را به امیر خراسان رسانیدند.

امیر عادل اسماعیل بفرمود: مر عبدالله بن ابی جعفر را باقی فقهاء را که بیان کنید مذهب راست و طریق سنت و جماعت، آن که پدران ما بران بوده اند.

پس ائمه و او اشارت کردند به خواجه ابوالقاسم سمرقندی و آن را گفتند: پیدا کن ما را راه راست سنت و جماعت آن که پیغمبر علیه السلام بران بود. و بفرمود: تا تصنیف کرد این کتاب را به تازی. و به نزدیک امیر خراسان آورد و عرضه کرد همه پسندیدند و گفتند: راه راست سنت و جماعت اینست.

پس امیر خراسان بفرمود: که این کتاب را به پارسی گردانیده تا چنان که خاص را بود عام را نیز بود و منفعت کند و مذهب را نیکو بدانند و از هوا و بدعت دور باشند.

و حدیث کرد ما را حدیث کرد ابومحمد ابن عبدالله ابن العباس المروزی مشغول خواجه امام زاهد ابوالقاسم حکیم سمرقندی (رح) که گفت:

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الْعَظِيمِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَلِكِ الْقَوِيمِ الرَّحِيمِ، الْأَوَّلِ الْقَدِيمِ، خَالِقِ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ الْحَكِيمِ الْغَفَّارِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ ذِي الْعِزَّةِ وَالْجَلَالِ.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ وَعَلَّمَنَا الْقُرْآنَ وَالنَّبِيَّانَ وَمَنْ عَلَيْنَا بِنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

پس گفت: وصیت کنم شما را و تن خود را به ترسیدن از خدای عزوجل و جهد کردن بگذاریدن امرها و پرهیز کردن از نهی ها و صبر کردن بر حکم خدای عزوجل و رضا دادن به قضایای وی و شکر کردن بر نعمت های وی و رواداشتن مرمگ را.

و نگر! تا بر حکم خدای تعالی گرانی نکنی! و بر خلق آن کبر نکنی! زیرا که باجماع علماء و فقهاءست که بندگی را دو خصلت است: یکی آن کنی که وی پسندد و دیگری آن پسندی که آن کند. و این نیز چهار خصلت است: یکی آن که سرخویش را چنان که داری که اگر بر خلق آشکار گردد رواداری! دو دیگر آن که علانیت خویش را چنان داری که بر سبیل سنت باشد که اگر همه امت محمد صلی الله علیه وسلم بتوافقتاء کنند رواداری. و سیم آنکه با همه مؤمنان و مسلمانان، صحبت چنان داری و معامله چنان کنی که اگر ایشان با تو همان کنند رواداری.

چهارم: حال خویش را چنان داری که اگر در حال، ملک الموت جان از تو جدا کند رواداری. پس ای مؤمن! از خدای بترس! و دین خود را نگاه دار! از آن جهت که هوا در میان خلق بسیار شده است. و امانتها برخاسته و هر کس بر هواهای خویش مشغول گشته.

پس باید که نشست و خاست خویش را با اهل حق داری! و خود را از اهل بدعت دور داری! و طریق اهل سنت و جماعت نگاه داری، اگر خواهی که برهی! و بر توباد که این چهار خصلت نگاه داری!

یکی: زبان را نگاه داری از دروغ و غیبت. و خلق را نگاه داری از حرام و شبه ناک. و کردارها که کنی از نماز و روزه و حج و صدقه و عرفه و آنچه بدین مانند نگاه داری از ریا و سمعت. و مذهب خود را نگاه داری از هواداران و بدعت. و با هواداران ننشینی! و با ایشان صحبت نداری! ثابتوانی از پس ایشان نماز نکنی، زیرا که جای هواداران دوزخ است. و بگفت ایشان فریفته نشوید. زیرا که حق تعالی اول دین خواهد، آنکه اعمال و کردار.

و بدانکه: دین پاک آن باشد: که نگاه کنی که خدای تعالی چه فرموده است؟ و رسول صلی الله علیه وسلم چه فرموده است؟ و خلفای راشدین، چون ابوبکر و عمرو عثمان و علی رضی الله عنهم بچه سیرت بوده اند؟ و تابعین و تبع تابعین بچه سیرت بوده اند؟ و خلق را بچه فرمودند؟

تو همان طریق ایشان نگاه داری! و از اندنگذری! و از هواها و بداعتها دور باشی! و اهل خود را از اهل بدعت باز شناسی! پس من این کتاب را بپارسی جمع کردم. زیرا که آن خواست امیر خراسان نوح ابن منصور (رح) از پس آن که علمای کل ماوراء النهر را جمع کرد، تاپیدا کرده آید ایشان را راه راست و سیر رسول صلی الله علیه وسلم و یاران خلفای راشدین رضوان الله علیهم اجمعین.

و آن مذهب سنت و جماعت است و مذهب علمائی که اهل سنت و جماعت اند. و آن مذهب امام امامان و سید فقهاء و کند خدای دین و علم و شاهنشاه فقه ابوحنیفه نعمان بن ثابت بن طائوس بن هرمز بن کسری ملک بغداد که این برین مذهب بود و همه اصحاب آن، برین مذهب بودند. و همه اهل سنت و جماعت برین مذهب اند.

زیرا که حق تعالی گفت: إِنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ. گفت: راه راست و مستقیم اینست متابع این باشید و بنگرید: تا شما متابع طریقه های دیگر نباشید!

و رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: عَلَيْكُمْ بِالسَّوَادِ الْأَعْظَمِ. قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا السَّوَادُ الْأَعْظَمُ؟ قَالَ الَّذِي أَنَا عَلَيْهِ وَأَصْحَابِي.

فرمود که بر شما باد سواد اعظم. گفتند: یا رسول الله! سواد اعظم چیست؟ گفت: سواد اعظم آنست: که امروز من برانم و یاران من برانند.

و رسول صلی الله علیه وسلم از بهر آن گفت: که دانست که از پس آن، هواداران و بدعتها آشکار گردد.

پس آموختن این کتاب فریضه است و روی گردانیدن ازین کتاب و خلاف کردن مر این کتاب را بدعت است.

پس باید که این کتاب رابه مثل تعویذسازی، و برگردن خود بندی! و مرفرزدان و اهل را بیاموزی! زیرا که رستگاری تو و اهل و فرزندان تو، به آموختن این کتاب بود.

ادامه دارد